

## تأثیر میزان دینداری بر انسجام خانوادگی در شهر همدان

ناهید بابایی<sup>۱</sup>، دکتر اسماعیل بلالی<sup>۲</sup> و دکتر اسدالله نقدی<sup>۳</sup> و احمد کریمی<sup>۴</sup>

تاریخ وصول: ۹۳/۱۲/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۴/۷/۶

### چکیده:

با توجه به اهمیت امر انسجام در جامعه بحث انسجام در خانواده بعنوان یکی از نهادهای مهم جامعه به میان کشیده می‌شود و مراد از آن احساس همبستگی، پیوند و تعهدی عاطفی است که اعضای یک خانواده نسبت به هم دارند. هدف از تحقیق حاضر سنجش میزان اثرات دینداری بر انسجام خانوادگی در بین خانواده‌های دارای فرزند دانش‌آموز شهر همدان است. در این تحقیق از دیدگاه دورکیم، اپستین، توماس و لوینگر بعنوان چارچوب نظری استفاده شده است. روش مطالعه‌ی حاضر پیمایشی بوده و داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌ی ساخت‌یافته گردآوری و توسط والدین تکمیل شده‌اند. با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه‌ای برابر ۳۷۹ نفر انتخاب شده است. روش نمونه‌گیری، خوشه‌ای چند مرحله‌ای است. یافته‌ها نشان می‌دهند که از میان ابعاد دینداری بعد نمودهای اجتماعی رابطه‌ی قوی‌تری را با انسجام خانوادگی دارد، هم‌چنین، از میان ابعاد انسجام خانوادگی، متغیر دینداری رابطه‌ی قوی‌تری را با بعد اختلاف بر سر مسائل خانوادگی دارد و ضعیف‌ترین رابطه را هم با بعد اختلاف بر سر مسائل سیاسی دارد.

**مفاهیم کلیدی:** دینداری، انسجام خانوادگی، نمودهای اجتماعی، همدان

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا همدان (نویسنده‌ی مسئول)

nb66\_basu@yahoo.com

<sup>۲</sup> دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا همدان balali\_e@yahoo.com

<sup>۳</sup> دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا همدان naghdi219@yahoo.com

<sup>۴</sup> کارشناس ارشد ahmadkarimi@chmail.com

## مقدمه و بیان مسأله

استمرار و پایداری حیات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی یک جامعه، در گرو انسجام و همبستگی بین اجزاء و عناصر سازنده‌ی ساختار اجتماعی است. انسجام، توافق در اهداف، ارزش‌ها و نگرش‌هاست و در فرایندی اجتماعی متولد می‌شود و محصول کنش عقلانی و مختار آن‌هاست. از سوی دیگر، انسجام، پدیده‌ای نیست که یک بار برای همیشه ایجاد شود، بلکه نیازمند بازسازی و بازتولید مستمر است (ازکیا، ۱۳۸۰: ۲۰). با توجه به اهمیت امر انسجام در جامعه بحث انسجام در خانواده بعنوان یکی از نهادهای مهم جامعه به میان کشیده می‌شود و مراد از آن احساس همبستگی، پیوند و تعهد عاطفی است که اعضای یک خانواده نسبت به همدیگر دارند.

نهاد خانواده یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی است، چرا که سلامت و یا عدم سلامت جامعه را در دست دارد و در بنای جامعه و حفظ سنت‌ها، ارزش‌ها، روابط خویشاوندی، پرورش کودک، تعادل روانی و عاطفی او نقش مهمی دارد. خانواده زمانی مشکل‌زا می‌شود که نتواند به اهدافش جامه‌ی عمل ببوشاند، بخصوص، زمانی که از هدف اصلی آن، یعنی گروه اولیه بودن دور شود. شکل طبیعی خانواده آن است که هر یک از اعضا از لحاظ عاطفی حمایت شوند و این یک حالت ایده‌آل برای خانواده است (لوئر<sup>۱</sup>، ۱۹۹۸). برای اینکه خانواده بتواند کارکردهای اصلی خود را به خوبی ایفا نماید، لازم است امنیت و آرامش در کانون آن رخنه کند. واقعیت این است که در فرآیند چرخه‌ی زندگی خانواده، مسایل و مشکلاتی به وجود می‌آید که آرامش آن را برای مدت کوتاهی سلب می‌کند. این مسائل در سطح خرد مربوط به ساختارها و کارکردهای نهاد خانواده و در سطح کلان مربوط به ساختارهای اجتماعی است (ریتزر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴). از آنجا که دین کهن‌ترین، نافذترین، و اثرگذارترین نهاد اجتماعی بشر است (آذربایجانی، ۱۳۸۲) و تحقیقات فراوانی ارتباط تنگاتنگ دین را با تعلیم و تربیت در خانواده نشان می‌دهند. بنابراین، می‌توان عنوان کرد که دین تأثیرات شگرفی را بر روی خانواده دارد. ادی<sup>۳</sup> عنوان می‌کند که دین عاملی برای کاهش انزوای اجتماعی، تحکیم همبستگی اجتماعی، زمینه‌ای برای پذیرش هنجارها و افزایش پیوند و انسجام درون خانواده است. با وجود چنین کارکردی، در جامعه نوعی انسجام اجتماعی پدید می‌آید (ادی، ۱۹۶۱). در واقع، همگونی و

<sup>1</sup> Lauer

<sup>2</sup> Ritzer

<sup>3</sup> O'Dea

انسجام در خانواده به عوامل متعددی بستگی دارد که هر یک در جای خود، در شکل‌گیری یکپارچگی خانواده و همبستگی درونی آن مؤثر هستند و یکی از این عوامل می‌تواند دین و مذهب باشد.

دین و مذهب یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین نهادهایی است که جامعه بشری از گذشته تا به حال به خود دیده است، بطوری که هیچ‌گاه بشر خارج از این پدیده زیست نکرده و دامن از آن برنکشیده است و از معدود نهادهایی است که از دوره‌های بسیار دور جزء مهمی از حیات بشری را تشکیل داده و در نحوه و نوع زندگی موجود انسانی اثر گذاشته و آن را تحت تأثیر قرار داده است. هیچ جامعه‌ی شناخته شده‌ای نیست که در آن شکلی از دین وجود نداشته باشد. دین با رسوخ به درون انسان در همه‌ی لحظات، در خلوت و آشکار، در جمع و تنهایی، در آرامش و سختی، اندیشه و عمل وی را تحت تأثیر قرار داده، با حلول ارزش‌های آسمانی جسم خاکی تعالی یافت، تصعید گردید و با تبلور ابعاد ملکوتی در آن به اوج رسید (موسوی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۷۳-۱۵۰).

صرف‌نظر از جنبه‌های ارزشی و سمبولیک روابط اجتماعی که از خلال دین برملا می‌شود، آنچه مسلم به نظر می‌رسد نقش فوق‌العاده اساسی و حساس آن در انسجام خانواده‌ها است. زیرا تا وقتی روحیه‌ی دینی جامعه و تأثیر آن بر توده‌ی مردم به صورت درست و صحیح درک و احساس نشود، نمی‌توان به شناخت جامع و قابل‌انکایی درباره‌ی جامعه و ارزش‌های آن در درون خانواده دست یافت.

شکی نیست که یکی از عوامل مؤثر بر رفتار و نگرش انسان‌ها در جوامع گوناگون دینداری است. دینداری از مفاهیمی است که پژوهشگران علوم اجتماعی به آن بسیار توجه کرده‌اند. هدن<sup>۱</sup> (۱۹۸۳)، معتقد است که دینداری عامل اساسی اجتماعی شدن و انسجام فکری، عملی و جهت‌گیری در رفع مشکلات، پدیده‌ها و مسائل اجتماعی است (هدن، ۱۹۸۳ به نقل از آزادارمکی و بهار، ۱۳۷۷: ۱۶۰). در واقع، مذهب می‌تواند از طریق حمایت از ارزش‌ها، فعالیت‌های خانواده و از طریق تسهیل در امر سازگاری با مشکلات، زندگی را جذاب‌تر کند.

مسأله‌ی اصلی این تحقیق، ارائه‌ی تحلیلی جامعه‌شناختی از دینداری و تأثیر آن بر انسجام خانوادگی در شهر همدان است. زیرا، یکی از مسائلی که امروزه جامعه‌ی ما با آن روبه‌رو می‌باشد، وضعیت کنونی انسجام و همبستگی در خانواده‌ها است. انسجام خانواده بیان‌گر همبستگی بین اعضاء خانواده و همچنین سرمایه‌ی هر جامعه می‌باشد که اگر در

<sup>۱</sup> Haddon

خانواده‌ها بنیان شود، در سایه‌ی آن قادریم در مقابل آسیب‌هایی که خانواده را تهدید می‌کند، واکنش خوبی را نشان دهیم. شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد انسجام خانواده در شهر همدان در معرض تهدید است. طبق آمار سال<sup>۱</sup> ۱۳۹۰، حدود ۲/۷ درصد در آمار ازدواج و ۳/۳ درصد در آمار طلاق افزایش داشته است. همچنین، در ۶ ماه ابتدای سال ۱۳۹۱ نیز ۱۲۵۱۳ ازدواج و ۱۶۵۹ مورد طلاق در استان ثبت شده که تقریباً برابر با آمار سال قبل بوده است. همچنین در مجموع نرخ طلاق در استان یک به ۷/۵ است، یعنی از هر ۷/۵ ازدواج، یک مورد به جدایی می‌کشد، همچنین، به گفته‌ی مدیرکل ثبت احوال استان، در سه ماهه‌ی اول ۱۳۹۳، طلاق ۱۵ درصد افزایش داشته است بطوری که از ثبت ۹۱۹ مورد طلاق در این مدت خبر می‌دهد (کیهان، ۱۳۹۱: ۱۱).

همان‌طور که این آمارها نشان می‌دهند، سیر طلاق به صورت صعودی عمل کرده و در این استان می‌تواند زنگ خطری برای انسجام خانواده‌ها باشد که پیامدهای جبران‌ناپذیری از جمله: افزایش بزهکاری فرزندان، دعوا و درگیری، اختلافات خانوادگی و فرار فرزندان از خانه را نیز به دنبال دارد. از آنجا که نهادهای زیادی می‌توانند در این امر دخالت داشته باشند، محقق بر آن است تا تأثیر یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی یعنی دین در بین خانواده‌ها را مورد بررسی قرار دهد؛ بنابراین، از جمله اهداف اصلی این پژوهش این آنست که بدانیم وضعیت میزان دینداری و انسجام خانوادگی در شهر همدان به چه صورت است؟ دینداری در ابعاد مختلف خود چه رابطه‌ای با انسجام خانوادگی دارد؟ و دیگر اینکه آیا داشتن اعتقادات مذهبی در بین خانواده‌های همدانی سبب بالا رفتن انسجام خانوادگی آن‌ها می‌شود یا نه؟

### پیشینه پژوهش

#### الف) تحقیقات داخلی

مروری بر نتایج حاصل از تحقیقات کثیر دینداری در ایران به رغم تنوع نظری و روش‌شناختی آنها نشان می‌دهد که جامعه‌ی ایران جامعه‌ای دیندار است. در عین حال همین تحقیقات و بررسی‌ها بیانگر آن است که دینداری در ایران با تغییرات قابل تأملی مواجه است، به عبارتی، دینداری در ابعاد مختلف آن از توزیع یکسانی برخوردار نیست، بدین ترتیب غالب تحقیقات مشخص می‌کنند که دینداری ذهنی در قیاس با دینداری

<sup>۱</sup> طبق اظهار نظر رئیس اداره‌ی دادگستری کل استان همدان

عملی از قوت و شدت بیشتری برخوردار است (آزادارمکی و غیاثوند، ۱۳۷۹: ۱۴۸-۱۱۷). در این میان برخی پژوهش‌ها به بررسی نقش خانواده‌ها در شکل دادن به دینداری و تغییرات ناشی از آن توجهی بیشتری کرده‌اند. طالبان (۱۳۷۸: ۵۴-۲۷)، نقش تحصیلات والدین را مطرح می‌کند و نتیجه می‌گیرد که با افزایش سطح تحصیلات آنها از دینداری و به ویژه در بعد عملی فرزندان کاسته می‌شود. این یافته توسط نایبی و آزادارمکی (۱۳۸۵)، نیز مورد تأیید قرار گرفته است؛ به نحوی که آنها مشخص می‌کنند که عمومیت ابعاد دین در بین افرادی که والدین‌شان دارای تحصیلات عالی هستند، اندکی کمتر از افرادی است که والدین‌شان دارای تحصیلات عالی نیستند. مهدوی و همکاران (۱۳۸۹: ۱۶۵-۱۳۹)، نیز، نشان دادند که پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده رابطه‌ی معکوسی با دینداری دارد. محمدصادق (۱۳۷۹)، طی تحقیقی به این نتیجه دست یافت که در بین مجموعه کارگزاران جامعه‌پذیر، خانواده بیشترین تأثیر را بر دینداری دارد. امیری (۱۳۸۳)، در تحقیقی با عنوان بررسی جامعه‌شناسی تأثیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی و جنسیت بر دینداری جوانان، به بررسی رابطه‌ی میان قشربندی اجتماعی و دینداری جوانان پرداخته است. وی نشان داده است که دینداری جوانان در بعد ذهنی قوی‌تر از دینداری آنان در بعد عملی است (امیری، ۱۳۸۲: ۲).

در رابطه با انسجام خانوادگی نیز، جمشیدی و همکاران (۱۳۸۷)، در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که انسجام خانواده هم‌سو با یافته‌های بررسی‌های انجام شده تنها به پیامدهای مثبت می‌انجامد. زارع و سامانی (۱۳۸۷)، طی تحقیقی میزان پیش‌بینی جهت‌گیری هدف فرزندان را که شامل: اهداف تسلط رویکردی، تسلط اجتنابی، عملکرد رویکردی و عملکرد اجتنابی توسط انعطاف‌پذیری و انسجام خانواده بود، بررسی کردند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که انسجام خانواده پیش‌بینی‌کننده‌ی مثبت هدف تسلط رویکردی، عملکرد رویکردی و پیش‌بینی‌کننده‌ی منفی عملکرد اجتنابی است (جمشیدی و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۰۵-۱۹۲).

با توجه به اینکه پژوهش‌های مختلفی در حوزه‌ی انسجام خانواده و دینداری صورت گرفته، اما محقق نتوانسته است به پژوهشی که بطور هم‌زمان به بررسی وضعیت انسجام خانواده و تأثیر دینداری بر آن پرداخته است، دست یابد. می‌توان عنوان کرد پژوهش‌هایی که در رابطه با انسجام خانوادگی صورت گرفته است، بیش‌تر در حوزه‌ی مباحث علوم تربیتی و روانشناسی بوده و خیلی کم به مباحث جامعه‌شناسی پرداخته شده است.

بنابراین، پژوهش حاضر در صدد است که بحث در مورد وضعیت انسجام خانواده و تأثیر دینداری بر آن را با توجه به مباحث جامعه‌شناختی بررسی و شناسایی کند.

### ب) تحقیقات خارجی

اپستین<sup>۱</sup> و همکارانش، یک مفهوم جدید از انسجام خانواده را با نام رابطه یا درگیری عاطفی عنوان کرده‌اند. طبق تعریف اپستین «درگیری عاطفی» یعنی، «حدی که خانواده علاقه را بروز می‌دهد و فعالیت‌های شخصی و علایق فردی اعضای خانواده را ارزش می‌نهد». شش سطح این رابطه مشخص شدند و عبارتند از: فقدان رابطه، رابطه‌ی فاقد احساسات، رابطه‌ی خودشیفتگی، رابطه‌ی همدلی، رابطه‌ی بیش از حد و رابطه‌ی همزیستی (باربر و بوهرلر، ۱۹۹۶: ۴۴۴-۴۳۳). کیندی و چان<sup>۲</sup> نیز، در ارتباط با انسجام خانواده معتقدند که انسجام و پایداری یک جامعه بستگی دارد بر تمرکز بر روی یکپارچگی و تقویت اساسی‌ترین واحد، که آن واحد بنیادین هم خانواده است. او معتقد است تعدد فرهنگ‌ها، نابرابری اجتماعی، محرومیت اقتصادی، آشفتگی اجتماعی و ... نشان می‌دهند که به اشکال متفاوت در دولت‌ها نیاز به پرورش و تقویت انسجام اجتماعی وجود دارد. همچنین معتقد است انسجام جامعه در گرو انسجام خانواده است (بنجامین<sup>۳</sup>، ۱۹۹۷).

توماس<sup>۴</sup> (۱۹۹۳)، سه نوع انسجام را ذکر می‌کند که بر اساس آن محتواهایی بر اساس اعتماد و همکاری در بین افراد وجود دارد.

انسجام احساسی<sup>۵</sup>: در آن اعتماد و همکاری بر اساس تشابه ویژگی‌ها یا بر اساس احساس به هم پیوستگی به وجود می‌آید.

انسجام هنجاری<sup>۶</sup>: که بر اساس آن ارزش‌ها و عقاید مشترک است.

انسجام ابزاری<sup>۷</sup>: مشارکت و همکاری بر اساس منافع تجاری دو طرفه (توماس و اولسون، ۱۹۹۳).

گرچه تحقیقات جمعیت‌شناختی، انسجام اجتماعی را بطور واضح مورد شناسایی قرار نداده است. مطالعه‌ی تغییرات خانواده بطور مشخص بر سؤالاتی از انسجام، نظم و تداوم

<sup>1</sup> Epstein

<sup>2</sup> Cindy&chan

<sup>3</sup> Benjamin

<sup>4</sup> Thomas

<sup>5</sup> affective cohesion

<sup>6</sup> normative cohesion

<sup>7</sup> instrumental cohesion

اجتماعی اثر می‌گذارد. در جوامع غربی افراد خودشان را از ازدواج معاف می‌کنند و زندگی مشترک بدون ازدواج دارند و اساساً در زندگی خصوصی خود درگیر خانواده نمی‌شوند و اکثر این نوع از خانواده‌ها عضو «اتحادیه قانونی مشترک»<sup>۱</sup> می‌شوند. بدین شکل در ساختار خانواده تغییراتی ایجاد شده و با افزایش سهم خانواده‌های تنها و مجرد، مطلقه، ناتنی و آمیخته افزایش پیدا کرده است. این تغییرات به نوبه‌ی خود انسجام در خانواده را بطور مشخص کاهش می‌دهد (بیوجوت<sup>۲</sup> و راوانرا، ۲۰۰۸). این تغییرات در ساختار خانواده عواقب زیادی بر روی کودکان دارد و اثرات فروپاشی خانواده نه فقط در کوتاه‌مدت، بلکه در بلندمدت نیز اثرات نامطلوبی را بر روی فرزندان دارد. در تجزیه و تحلیل اولین بررسی بین‌المللی از کودکان و جوانان مشخص شد که کودکان در خانواده‌های فرو پاشیده در مقایسه با کودکان خانواده‌های سالم از نظر رفتار، سلامتی، موفقیت‌های تحصیلی سهم کمتری را دارند و بیشتر اوقات از زندگی خود را در تنهایی به سر می‌برند و اثرات ناپایداری خانواده در بزرگسالی هم ادامه دارد. آن‌ها متوجه شدند که جدایی و طلاق والدین شانس فرزندان دختر را برای زندگی مشترک بدون ازدواج افزایش و شانس این دختران را برای بچه‌دار شدن پیش از زندگی زناشویی نیز بالا می‌برد و فرزندان پسر هم از هم‌گسیختگی و پریشانی یکسانی را تجربه می‌کنند. یکی دیگر از نتایج خانواده بدون انسجام و از هم گسیخته، ترک کردن خانه توسط فرزندان است و فرزندان خانواده‌های از هم گسیخته بیشتر در سنین پایین خانه را ترک می‌کنند و علت ترکشان به دلیل رابطه‌ی پرتنش بین کودک و والدین است و بعد از ترک از خانه، کمتر به خانه برمی‌گردند (راوانرا، ۲۰۰۰). در این میان عامل مهمی که در انسجام خانواده مؤثر می‌باشد، مذهب است که از طریق حمایت از ارزش‌ها، فعالیت‌های خانواده و از طریق تسهیل در امر سازگاری با مشکلات، زندگی را جذاب‌تر می‌کند. فرگوسن و هارود اشاره کرده‌اند خانواده‌هایی که دارای مشخصه «پابندی مذهبی» بالایی هستند کمتر متمایل به فروپاشی هستند (فرگوسن و دیگران<sup>۳</sup>، ۱۹۸۴: ۵۴۷-۵۴۰). همچنین، بوث<sup>۴</sup> بیان می‌کند که عقاید مذهبی به صورت نیروی خاص و نگرهبان ازدواج دیده می‌شود که انسجام و پیوستگی آن را تقویت می‌کند (بوث و دیگران، ۱۹۸۳: ۳۹۰). در مقیاس کلان دین و خانواده در قوام نظم و انسجام در جامعه اثرگذارند در این دیدگاه، کنت، دین و خانواده را دو محیط اخلاقی مهم شکل‌دهنده فرد که به اتفاق

<sup>۱</sup> common law union

<sup>۲</sup> Beaujot

<sup>۳</sup> Fergusson

<sup>۴</sup> Booth

نظم اجتماعی را پدید می‌آورند و موجب پیوند اجتماعی افراد با نهادهای اجتماعی می‌شوند، می‌داند (سیدمن، ۱۳۸۸: ۳۳). در واقع، در دیدگاه جامعه‌شناختی، دین بعنوان یک نهاد اجتماعی، کارکردهایی اساسی مانند انضباط، انسجام، حیات‌بخشی و خوشبختی‌آفرینی دارد که فقدان آن بقای جامعه را مخدوش می‌سازد (آلپر<sup>۱</sup>، به نقل از خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۸۸). به عبارت دیگر، دورکیم چهار عملکرد عمده‌ی دین را چنین شرح می‌دهد:

انضباط: دین با صیانت نفس و تقوا و پرهیزکاری که ایجاد می‌کند، از هرج و مرج ناشی از پرداختن انسان به تمایلات نفسانی و تضاد گرایش‌های فردی در جامعه جلوگیری به عمل می‌آورد؛

امیدواری: دین با مراسم و پیوندهایش بین پیروان خود انسجام عاطفی و شناختی ایجاد می‌کند؛

حیات‌بخشی: دین با انتقال ارزش‌های اجتماعی به نسل‌های بعدی، به جوامع آینده نیز روح زندگی، انضباط و حرکت به سوی تعالی می‌بخشد؛

خوشبختی: دین با حل معمای مرگ و احساس فقدان، امید و آرامش را به پیروان خود الهام می‌بخشد (دورکیم، ۱۳۸۳: ۴۰-۱۵).

انسان‌شناسان نیز فقدان نهاد اجتماعی دین را موجب خدشه به بقای جامعه می‌دانند و چهار کارکرد عمده برای آن قائل‌اند: ۱- انسجام عاطفی، ۲- بازآفرینی فرهنگی، ۳- معناسازی (معنابخشی) و ۴- انسجام اجتماعی. به عبارت دیگر، با توجه به کنش اجتماعی مذهب، دغدغه‌های اجتماعی و فردی انسان، مسائل و مشکلات عمده‌ای که در طول زندگی همواره با آن‌ها درگیر است، از جمله نگرانی از عدم و نیستی، نگرانی از تنهایی و عدم تعلق اجتماعی، نگرانی از پوچی و بی‌معنایی، سردرگمی و عدم وقوف به جایگاه خود در جهان و نگرانی از نداشتن چارچوب و برنامه‌های متقن و قابل اطمینان در زندگی فردی و اجتماعی، توان و توجه‌ی انسان را به سوی یافتن منبعی آرام‌بخش، رحمت‌آفرین، با معنا، متعالی، ابدی، هدایت‌گر و نظاره‌گر بر رفتارها، راهنمایی می‌کند (تنهایی، ۱۳۷۵). ویلکینسون<sup>۲</sup> می‌گوید « پایبندی مذهبی تأثیر مستقیم روی عاطفه‌ی خانواده مستقل از فعالیت‌های خانواده دارد » (فایلسینگر و ویلسون، ۱۹۸۴: ۶۶۴).

<sup>1</sup> Alper

<sup>2</sup> Wilkinson



لوینگر<sup>۱</sup> (۱۹۷۶)، نیز، در نظریات خود الزام مذهبی را به همراه مفهوم دیگری که آن را «تعهد نسبت به پیوند خانوادگی» نامید بعنوان مانعی بر سر راه طلاق می‌شناخت (به نقل از چلبی ۱۳۸۰: ۹۵-۱۳۲). واضح است که آشنایی دینی به بهبود روابط بین‌فردی و انسجام جامعه و خانواده در سطوح مختلف منجر می‌شود. در این پژوهش سؤال‌های اساسی عبارتند از:

- ۱- وضعیت میزان دینداری و انسجام خانوادگی در شهر همدان به چه صورت است؟
- ۲- دینداری چه رابطه‌ای با انسجام خانوادگی دارد؟
- ۳- کدامیک از ابعاد دینداری با انسجام خانوادگی رابطه‌ی قوی‌تری دارند؟
- ۴- دینداری با کدامیک از ابعاد انسجام خانوادگی رابطه‌ی قوی‌تری دارند؟

### روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به روش پیمایش و از نوع کاربردی و مقطعی است. داده‌ها با استفاده از ابزار پرسشنامه‌ی ساخت‌یافته گردآوری و توسط والدین تکمیل شده‌اند. جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر کلیه‌ی خانوارهای همدان است. از آنجایی که تعداد کل خانوارهای شهر همدان ۳۴۵۹۷ خانوار می‌باشند، بنابراین با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه ۳۷۹ محاسبه شده است. در این تحقیق از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شده است. بدین ترتیب که پس از تعیین حجم نمونه، شهر به چهار منطقه تقسیم شده، سپس در درون هر منطقه سه محله انتخاب شده است.

به منظور احراز اعتبار لازم در این پژوهش، برای سنجش برخی متغیرها از مقیاس‌های استاندارد و برخی دیگر، محقق ساخته استفاده کردیم و ضمن بومی‌سازی مقیاس‌های استاندارد، در راستای موضوع تحقیق حاضر و چارچوب مفهومی و نظری آن (اعتبار سازه‌ای) از اعتبار صوری استفاده شد. بدین ترتیب که پیش‌آزمون با تعداد ۴۰ پرسش‌نامه انجام گرفت و برخی گویه‌ها و سؤالات دارای اشکال و ابهام اصلاح شدند که تعداد آنها خیلی کم بود. به منظور اندازه‌گیری پایایی تحقیق از روش آلفای کرونباخ استفاده شد و نتایج محاسبه‌ی این شاخص در مورد اکثر سنجه‌های بکار گرفته شده نشان داد که پایایی سنجه‌های این پژوهش با آلفای ۰/۷۹ در حد مطلوبی برآورده شده است. داده‌ها پس از گردآوری، توسط نرم‌افزار SPSS مورد پردازش قرار گرفت و تحلیل آن‌ها

<sup>۱</sup> Luinger

متناسب با سطح سنجش متغیرها انجام شد. قبل از ارائه‌ی یافته‌ها و نتایج، هر یک از مفاهیم اصلی و مهم تحقیق به شرح زیر تعریف می‌گردد.

*انسجام خانواده:* انسجام خانواده از دیدگاه هربرت لینگرن<sup>۱</sup> (۲۰۰۳)، به صورت احساس نزدیکی عاطفی با افراد دیگر تعریف می‌شود. از نظر او دو کیفیت مربوط به انسجام خانوادگی عبارتند از: تعهد و وقت گذراندن با همدیگر و تعهد نیز به معنی تمایل به صرف وقت و انرژی برای خانواده و عدم تداخل مسؤلیت‌های شغلی و غیره با خانواده است که باعث می‌گردد فرد مدت زیادی از تعاملات خانوادگی دور بماند، افراد مراقب و مواظب همدیگرند و این رفتار را در رفتار و صحبت‌هایشان نشان می‌دهند. در صورت بالا بودن انسجام خانوادگی، اعضای خانواده پیشرفت و شادی همدیگر را می‌خواهند و اگر یکی از اعضای خانواده گرفتار مشکلی شود بقیه حاضرند برای رفع آن مشکل کار کنند (هربرت لینگرن، ۲۰۰۳). برای سنجش انسجام خانوادگی از پاسخگو درخواست شده که نظر خود را در رابطه با ۱۵ گویه‌ی مؤلفه‌ی انسجام خانوادگی (داد زدن همسرشان، قهر کردن با همسر، اختلاف بر سر زیاد پول خرج کردن، اختلاف بر سر عوض کردن کانال تلویزیون، احترام گذاشتن به بزرگ‌تر، میزان بودن خانواده کنار همدیگر، میزان کمک گرفتن اعضای خانواده از هم، میزان علاقمندی‌های مشترک خانواده، گفتگو در مورد ترس‌ها و نگرانی‌ها در خانواده، جر و بحث در مورد دیر آمدن فرزندان به منزل، جر و بحث در مورد نوع لباس پوشیدن، جر و بحث در مورد انتخاب دوست، جر و بحث در مورد مسائل سیاسی، میزان امیدواری به حمایت خانواده در مواقع بحرانی) ابراز نمایند. این گویه‌ها با مقیاس پنج قسمتی لیکرت (کاملاً درست، تا حدودی درست، بی‌نظرم، تا حدودی نادرست، کاملاً نادرست) و (خیلی زیاد، زیاد، کم، متوسط و اصلاً) سنجیده شده‌اند.

همچنین، متغیر انسجام خانواده با استفاده از تحلیل عاملی به پنج بعد (اختلاف بر سر مسائل خانوادگی، وجود فضای منفی در خانواده، مسائل تربیتی فرزندان، اختلاف بر سر مسائل سیاسی و حمایت خانواده در مواقع بحران) تقسیم شده است.

*میزان دینداری:* باید توجه داشت که دینداری یا تدین، ناظر به پذیرش دین توسط انسان‌هاست. در واقع دینداری صفت و حالت انسان درباره‌ی دین است. می‌توان دینداری را چنین تعریف کرد: «برخورداری از شناخت و باور به پروردگار یکتا، انبیاء، آخرت و احکام الهی و داشتن عواطف نسبت به خدا، اولیا و بندگان خدا و التزام و عمل به وظایف دینی برای تقریب به خداوند» (خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۸۸). این متغیر نیز، با استفاده

<sup>۱</sup> Herbert Lingern

از طیف پنج قسمتی لیکرت سنجیده شده و شاخص‌های این متغیر عبارتند از (باور به مذهب بعنوان یک راه سعادت، اعتقاد به زندگی پس از مرگ، استفاده از انگشتر طلا، شرکت در نماز جماعت، گرفتن روز، خواندن قرآن، شرکت در نماز جمعه، پوشیدن چادر، دست دادن به مردان نامحرم، گوش دادن به آواز خواننده‌ی زن، آرایش کردن، رعایت در نحوه‌ی گوش دادن به آهنگ‌های مختلف). بر اساس تحلیل عاملی نیز؛ به سه بعد باورها و اعتقادات دینی، بعد التزام و عمل به وظایف دینی و بعد نمودهای اجتماعی تقسیم شده است.

### ارائه یافته‌ها، تجزیه و تحلیل و تفسیر آن‌ها

#### نتایج توصیفی

در این پژوهش علاوه بر تلاش برای تبیین رابطه‌ی میزان دینداری و سبک زندگی، سعی شده است تا میزان دینداری در ارتباط با یکسری متغیرهای زمینه‌ای مانند جنسیت، سن، و میزان تحصیلات تبیین گردد. بر این اساس، نتایج حاکی از آن است که بیش‌ترین پاسخگویان به هنگام بررسی در گروه سنی ۳۱ تا ۴۰ سال قرار دارند که در کل ۴۳/۸ درصد جمعیت نمونه را تشکیل می‌دهند. در این میان، ۴۲/۳ درصد پاسخگویان مردان و ۵۷/۷ درصد زنان می‌باشند. علاوه بر این، بیشتر پاسخگویان از سطح سواد ابتدایی و راهنمایی و تعداد زیادی هم دارای مدرک دیپلم می‌باشند که قابل توجه است. تعداد اندکی نیز، بیسواد بوده‌اند.

#### بررسی وضعیت انسجام خانوادگی در همدان

قدم دوم برای کسب شناختی توصیفی از جمعیت مورد مطالعه، نحوه‌ی توزیع انسجام خانواده و میزان دینداری در میان آنها است. نتایج جدول ۱ که در میان جمعیت نمونه‌ی مورد بررسی قرار گرفته نشان می‌دهد که حدود ۱۷/۹ درصد از خانواده‌های همدانی دارای سطح انسجام پایین، حدود ۳۰/۶ درصد دارای انسجام متوسط به پایین، حدود ۳۵/۶ درصد انسجام متوسط به بالا و حدود ۱۵/۹ درصد دارای انسجام بالا می‌باشد. در واقع، می‌توان عنوان کرد بیش‌تر خانواده‌های همدانی در سطح انسجام متوسط به پایین و متوسط به بالا می‌باشند.

**جدول ۱: میزان انسجام خانوادگی در جامعه‌ی مورد بررسی**

سطح انسجام	فراوانی	درصد
پایین	۶۴	۱۷/۹
متوسط به پایین	۱۱۶	۳۰/۶
متوسط به بالا	۱۳۵	۳۵/۶
بالا	۶۴	۱۵/۹
کل	۳۷۹	۱۰۰

همچنین، با استفاده از تحلیل عاملی انسجام خانوادگی به پنج بعد تقسیم شد که در جدول ۲ قابل مشاهده است. بر اساس این جدول، اختلاف بر سر مسائل خانوادگی و فضای همدلانه‌ی منفی و اختلاف بر سر مسائل تربیتی فرزندان، در سطح متوسطی بوده است. اما اختلاف بر سر مسائل سیاسی خیلی بالا بوده است. حدود ۶۱/۲ درصد از والدین نیز بطور متوسط به بالایی به حمایت خانواده خود در مواقع بحران امیدوار هستند.

**جدول ۲: میزان انسجام خانوادگی به تفکیک ابعاد آن در جامعه‌ی مورد بررسی**

ابعاد انسجام خانوادگی	پایین	متوسط به پایین	متوسط به بالا	بالا	پاسخ نداده	تعداد
سطح اختلاف بر سر مسائل خانوادگی	۱۴/۸	۳۴/۶	۳۳/۵	۱۷/۳	-	۳۷۹
سطح وجود فضای منفی در خانواده	۱۴	۳۸/۸	۳۰/۱	۱۷/۱	-	۳۷۹
سطح اختلاف بر سر مسائل تربیتی فرزندان	۱۸/۷	۲۳/۳	۴۳/۵	۱۴/۵	-	۳۷۹
سطح اختلاف بر سر مسائل سیاسی	۱۶/۴	۲۵/۳	۵۷/۵	-	۰/۸	۳۷۶
سطح حمایت خانواده در مواقع بحران	۰/۱۴	۲۳/۲	۶۱/۲	-	۱/۶	۳۷۲

### بررسی وضعیت دینداری در همدان

طبق جدول ۳ اکثر والدین جامعه‌ی آماری در سطح دینداری متوسط به بالا می‌باشند. این خود نشان‌دهنده‌ی مذهبی بودن مردم شهر همدان است. اما، با توجه به نتایج جدول ۴ در رابطه با ابعاد آن که با استفاده از تحلیل عاملی بدست آمده، می‌توان گفت که در بعد نمودهای اجتماعی و بعد باورها و اعتقادات مذهبی در سطح متوسط به بالا، ولی در بعد التزام و عمل به وظایف مذهبی در سطح متوسط به پایین می‌باشند.

**جدول ۳:** بررسی وضعیت دینداری در پاسخگویان

سطح انسجام	فراوانی	درصد
پایین	۶۲	۱۶/۴
متوسط به پایین	۱۰۶	۲۸
متوسط به بالا	۱۵۳	۴۰/۴
بالا	۵۸	۱۵/۲
کل	۳۷۹	۱۰۰

**جدول ۴:** بررسی وضعیت دینداری به تفکیک ابعاد آن

ابعاد دینداری والدین		بعد نمودهای اجتماعی		بعد باورها و اعتقادات مذهبی		بعد التزام و عمل به وظایف مذهبی	
فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
پایین	۶۴	۱۶/۹	۵۸	۱۵/۳	۶۱	۱۶/۱	
متوسط به پایین	۱۱۲	۲۹/۵	۱۰۸	۲۸/۵	۱۵۵	۴۰/۹	
متوسط به بالا	۱۳۳	۳۵/۱	۱۶۵	۴۳/۵	۸۸	۲۳/۲	
بالا	۷۰	۱۸/۵	۴۸	۱۲/۷	۷۵	۱۹/۸	
کل	۳۷۹	۳۷۹	۳۷۹	۳۷۹	۳۷۹	۳۷۹	

### نتایج پردازش‌های دو متغیره استنباطی

#### ارتباط بین دینداری والدین و انسجام خانوادگی

بر اساس نتایج جدول ۵، مقدار بدست آمده  $F(۱۵/۱۸۵)$ ، که در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۱ معنی‌دار است، نشان می‌دهد متغیر دینداری والدین از قدرت تبیینی بالایی برخوردار بوده و قادر است به خوبی میزان تغییرات و واریانس متغیر انسجام خانوادگی را توضیح دهد.

**جدول ۵:** ارتباط خطی دینداری و انسجام خانوادگی

سطح معنی‌داری	آماره $F$	میانگین مجزورات	درجه آزادی	مجموع مجزورات	مدل
۰/۰۰۰	۱۵/۱۸۵	۴۳۱/۲۷۸	۱	۴۳۱/۲۷۸	رگرسیون
		۲۸/۴۰۲	۳۷۷	۱۰۷۰۷/۴۷۱	باقیمانده
			۳۷۸	۱۱۱۳۸/۷۴۹	کل

بر اساس جدول ۶ نیز، می‌توان گفت که متغیر مستقل دینداری توانسته است به تنهایی و بدون کنترل متغیرهای دیگر، حدود ۹/۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته‌ی انسجام خانوادگی را تبیین کند؛ هم‌چنین، در این رابطه مقدار بتا ۰/۲۷۱ است.

**جدول ۶:** ضرایب تبیین و چندگانه‌ی رگرسیونی ارتباط دینداری و انسجام خانوادگی

ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد
۰/۲۷۱	۰/۰۹۸	۰/۰۹۶	۸/۲۲۱۶۹

**جدول ۷:** ضریب رگرسیونی

مدل	ضرایب رگرسیونی استاندارد نشده		ضرایب رگرسیونی استاندارد شده <i>B</i>	<i>T</i> حضور نسبی متغیر مستقل در مدل	سطح معنی‌داری
	<i>b</i>	خطای استاندارد			
عدد ثابت	۱۴/۲۸۶	۱/۶۱۸		۸/۸۲۷	۰/۰۰۰
انسجام خانوادگی	۰/۱۲۶	۰/۰۳۲	۰/۲۷۱	۳/۸۹۷	۰/۰۰۰

در همین راستا، مندرجات جدول ۸ نیز حاکی از این مطلب است که در رابطه بین ابعاد دینداری و انسجام خانوادگی مقدار بتای بعد نموده‌های اجتماعی برابر ۰/۲۳۸ است. این بدان معناست که با افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر نموده‌های اجتماعی، میزان انسجام خانوادگی به مقدار ۰/۲۳۸ انحراف استاندارد افزایش می‌یابد. علاوه بر این، مقدار بتای بعد التزام و عمل به وظایف مذهبی ۰/۱۶۹ و مقدار بتای بعد باورها و اعتقادات مذهبی ۰/۱۵۵ می‌باشد که نشان‌دهنده‌ی ارتباط مستقیم این ابعاد با انسجام خانوادگی است. در کل، بایستی عنوان نمود که بعد نموده‌های اجتماعی نسبت به دو بعد دیگر دینداری، بر روی متغیر انسجام خانوادگی تأثیر بیشتری را می‌گذارد.

**جدول ۸:** ضریب رگرسیونی

مدل	ضرایب رگرسیونی استاندارد نشده		ضرایب رگرسیونی استاندارد شده <i>B</i>	<i>T</i>	سطح معنی‌داری
	<i>b</i>	خطای استاندارد			
عدد ثابت	۴۱/۹۵۷	۲/۱۱۷		۱۹/۸۱۴	۰/۰۰۰
بعد باورها و اعتقادات مذهبی	۰/۴۹۶	۰/۲۰۸	۰/۱۵۵	۲/۳۸۱	۰/۰۱۸
بعد التزام و عمل به وظایف مذهبی	۰/۵۰۹	۰/۱۷۵	۰/۱۶۹	۲/۹۱۳	۰/۰۰۴
بعد نموده‌های اجتماعی	۰/۴۴۹	۰/۱۱۷	۰/۲۳۸	۳/۸۳۰	۰/۰۰۰

در ادامه، برای پاسخگویی به این سؤال که متغیر دینداری با کدامیک از ابعاد انسجام خانوادگی ارتباط قوی‌تری دارد؟ با استفاده از رگرسیون خطی متغیر دینداری را با تک‌تک ابعاد در رابطه گذاشته و بر اساس جدول ۹ و با توجه به بتای گزارش شده، مشخص شد که متغیر دینداری بیش‌ترین تأثیر را با بعد اختلاف بر سر مسائل خانوادگی با بتای (۰/۱۷۹) دارد. هم‌چنین، کم‌ترین تأثیر را نیز با بعد اختلاف بر سر مسائل سیاسی با بتای (۰/۰۱۹) دارد.

جدول ۹: ضریب رگرسیونی

مدل	ضرایب رگرسیونی استاندارد نشده		ضرایب رگرسیونی استاندارد شده	T	سطح معنی‌داری
	b	خطای استاندارد	B		
عدد ثابت	۱۰/۴۸۴	۰/۷۸۹		۱۳/۲۸۰	۰/۰۰۰
بعد اختلاف بر سر مسائل خانوادگی	۰/۱۰۳	۰/۰۲۹	۰/۱۷۹	۳/۵۴۲	۰/۰۰۰
عدد ثابت	۱۰/۶۵۴	۰/۹۳۰		۱۱/۴۵۷	۰/۰۰۰
بعد وجود فضای منفی در خانواده	۰/۰۹۹	۰/۰۳۴	۰/۱۴۸	۲/۸۹۸	۰/۰۰۴
عدد ثابت	۱۲/۳۴۴	۰/۷۳۷		۱۶/۷۴۱	۰/۰۰۰
بعد اختلاف بر سر مسائل تربیتی فرزندان	۰/۰۷۸	۰/۰۲۷	۰/۱۴۶	۲/۸۶۳	۰/۰۰۴
عدد ثابت	۴/۲۸۷	۰/۲۱۲		۲۰/۲۰۴	۰/۰۰۰
بعد اختلاف بر سر مسائل سیاسی	۰/۰۰۳	۰/۰۰۸	۰/۰۱۹	۰/۳۷۴	۰/۰۵۹
عدد ثابت	۳/۸۰۸	۰/۲۶۲		۱۴/۵۱۸	۰/۰۰۰
بعد حمایت خانواده در مواقع بحران	۰/۰۲۰	۰/۰۱۰	۰/۱۰۵	۲/۰۳۸	۰/۰۴۲

### بحث و نتیجه‌گیری

تلاش این مقاله در جهت تبیین مناسبات بین میزان دینداری والدین و انسجام خانوادگی بود. بر مبنای چارچوب نظری و مفهومی این مطالعه، دینداری نقش عمده‌ای بر همبستگی و انسجام خانوادگی (بوث و همکاران، ۱۹۸۳) دارد.

از آنجایی که والدین می‌توانند بیشترین تأثیر را بر روی فرزندان گذاشته و الگوی اولیه‌ی آنها باشند، بنابراین، در این مطالعه والدین و رفتار آنها با فرزند (فرزندانشان) مورد بررسی قرار گرفته است. افزون بر این، انسجام خانوادگی خود می‌تواند به میزان متفاوتی

تحت تأثیر ابعاد مختلف دینداری باشد و علاوه بر این، دینداری نیز می‌تواند به میزان متفاوتی بر روی تک‌تک ابعاد انسجام خانوادگی تأثیر بگذارد. بر این اساس، دو متغیر دینداری و انسجام خانوادگی به هم پیوند خورده‌اند. در این راستا، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که از بین ابعاد دینداری، بعد نمودهای اجتماعی که شامل؛ رعایت پوشش چادر، دست دادن به مردان فامیل، آرایش کردن و ... می‌شود، نسبت به دو بعد دیگر بر روی متغیر انسجام خانوادگی تأثیر بیشتری را داشته است.

این بدان معناست که اشکال دینداری در ترکیبی هماهنگ به انسجام خانوادگی پیوند خورده‌اند و بر آن تأثیر می‌گذارند.

چنین نتایجی مؤید دیدگاه دورکیم و انسان‌شناسان مبنی بر خاصیت انسجام و انطباطبخشی دین بعنوان یک نهاد اساسی و مهم است. بدین ترتیب رابطه‌ی بین میزان دینداری و انسجام خانوادگی تأیید می‌شود. از طرفی دیگر، متغیر دینداری بیشترین تأثیر را بر روی بعد اختلاف بر سر مسائل خانوادگی و کم‌ترین تأثیر را نیز بر روی بعد اختلاف بر سر مسائل سیاسی داشته است که خود نشان از اهمیت نهاد دین در درون خانواده و مسائل و مشکلات آن است.

نتایج این مطالعه بیانگر آن بود که به سؤالات اصلی جواب داده شد و تأیید گردید که بین میزان دینداری والدین و انسجام خانوادگی رابطه‌ی معنادار و مستقیمی وجود دارد. بدین معنی که با افزایش میزان دینداری والدین به همان میزان انسجام خانوادگی آنها نیز افزایش می‌یابد. اما، از طرفی، یافته‌ها حاکی از آن است که بعد نمودهای اجتماعی و بعد باورها و اعتقادات دینی در سطح متوسط به بالایی‌اند، ولی بعد التزام و عمل به وظایف دینی مانند شرکت در نماز جمعه، شرکت در نماز جماعت، خواندن قرآن و ... از دیگر ابعاد ضعیف‌تر بوده و در سطح متوسط به پایینی می‌باشد؛ و این مسأله مؤید این مطلب می‌تواند باشد که بایستی والدین نسبت به انجام فرایض دینی مثل نماز و روزه و ... حساس‌تر شده و نسبت به تحقق آن مصرتر باشند.

این نتیجه نیز، با یافته‌های آزادارمکی و غیاثوند (۱۳۷۹)، مبنی بر اینکه دینداری ذهنی در قیاس با دینداری عملی از قوت و شدت بیشتری برخوردار است، همخوانی دارد. علاوه بر این، نتایج نشان داد که اختلاف بر سر مسائل سیاسی خیلی بالا بوده است و این می‌تواند به این دلیل باشد که خانواده‌های امروزی به دنبال تغییر در الگوهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و نظایر آن دچار بحران‌های مختلفی شده‌اند و روابط درون خانواده، نقش‌های سیاسی و اجتماعی موجود در خانواده و عناصری از این قبیل باعث



---

پدیدآمدن بحران‌هایی در کوچک‌ترین نهاد اجتماعی شده است و این اختلاف نظر در امور سیاسی به دلیل وجود زیربنای عقیدتی، حتی ممکن است بین پدر و مادر و فرزندان و خویشاوندان جدایی بیندازد.

**فهرست منابع:**

- آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۲). تهیه و ساخت آزمون جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام، مؤسسه‌ی پژوهشی حوزه و دانشگاه، قم: زیتون.
- آزادارمکی، تقی و بهار، مه‌ری (۱۳۷۷). بررسی مسائل اجتماعی، تهران، نشر جهاد.
- آزادارمکی، تقی و احمد غیاثوند (۱۳۷۹). "تحلیل جامعه‌شناختی وضعیت دینداری جوانان با رویکرد بی‌شکلی دین‌ورزی"، پژوهشنامه‌ی علوم انسانی، شماره‌ی ۳۵.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی توسعه، تهران: نشر کلمه.
- امیری، سیاوش (۱۳۸۳). بررسی جامعه‌شناختی تأثیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی و جنسیت بر دینداری جوانان (مطالعه‌ی موردی: دانشجویان دانشگاه شیراز)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- تنهایی، ابوالحسن (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی در ادیان، بهاباد، یزد: چاپ اول.
- جمشیدی، بهنام؛ رزمی، محمدرضا؛ حقیقت، شهربانو و سامانی، سیامک (۱۳۸۷). "رابطه‌ی انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده با ابعاد کمال‌گرایی"، مجله‌ی روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، سال چهاردهم، شماره‌ی ۲.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۰). "نقش خانواده بعنوان عامل و مانع بزهکاری نوجوانان (با تکیه بر نظم خانواده)"، پژوهش‌نامه‌ی علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، شماره‌ی ۲۹.
- خدایاری‌فرد، محمد و همکاران (۱۳۸۸). طرح آماده‌سازی مقیاس دینداری و ارزیابی سطوح دینداری اقشار مختلف جامعه‌ی ایران، دانشگاه روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- دواس، دی، ان (۱۳۷۶). روش پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه‌ی مریم رفعت‌جاه و رخساره کاظم، تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۳). صور بنیانی حیات دینی، ترجمه‌ی باقر پرهام، تهران، مرکز، چاپ اول.
- زارع، مریم و سامانی، سیامک (۱۳۸۷). "بررسی نقش انعطاف‌پذیری و انسجام خانواده در هدف‌گرایی فرزندان"، فصلنامه‌ی خانواده‌پژوهی، سال چهارم، شماره‌ی ۱۳.
- سیدمن، استیون (۱۳۸۸). کشاکش آرا در جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- طالبان، محمدرضا (۱۳۷۸). "خانواده دانشگاه و جامعه‌پذیری مذهبی"، نامه‌ی علوم اجتماعی، شماره‌ی ۱۳.
- کیهان (۱۳۹۱). روزنامه، شماره‌ی ۲۰۳۳۸.

محمدصادق، مهدی (۱۳۷۹). سنجش دینداری جوانان و عوامل مؤثر بر آن (دانش‌آموزان سال سوم و پیش‌دانشگاهی شیراز)، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، رشته‌ی علوم اجتماعی گرایش پژوهشگری، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی.

مهدوی، محمدصادق؛ ادیسی، افسانه و رحمانی، احسان (۱۳۸۹). "شناسایی میزان دینداری و مقایسه‌ی آن در گروه‌های متفاوت شهروندان تهرانی"، نامه‌ی پژوهش فرهنگی، شماره‌ی ۱۱.

موسوی، سیده زهرا؛ موسوی، سید رفیع و حیدری، حسین (۱۳۹۰). "بررسی میزان پایبندی به مناسک و رفتارهای دینی و عوامل مؤثر بر آن (مورد مطالعه: دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان زنجان)"، مجله‌ی تخصصی جامعه‌شناسی، سال اول، شماره‌ی اول.

نایینی، هوشنگ و آزادارمکی، تقی (۱۳۸۵). "سکولاریسم و رابطه‌ی آن با تحصیلات عالی (مطالعه‌ی موردی: جامعه‌ی شهری تهران)"، مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران، شماره‌ی ۳.

Barber Brian K. & Buehler Cheryl, (1996). "Family cohesion and Enmeshment: Different constructs, Different Effects", Journal of marriage and the family, vol. 58, may: 433-441.

Booth Alan. & Johnson David. & Edwards john N. (1983). "Measuring marital instability", journal of marriage and the family. Vol. 45, No. 2, may: 387- 392.

Fergusson D. M. & Horwood L. J. & Shannon F. T. (1984). "A proportional Hazards Model of Family breakdown", Journal marriage and the family, Vol. 46, No. 3, August: 539- 549.

Leung Benjamin KP, NG Chun-hung, WONG Thomas WP, CHU Cindy 5YW and CHAN Anita KW. (1997). "Social cohesion and the hongkong family loung Benjamin Kp", Department of Sociology The University Hong Kong: 1-14.

Lauer, Ropert, H. 1998. Social Problems and the Quality of Life, New York: Mcgraw-Hill.

O'Dea, Thomas F.; Yinger J. Milton (1961). "Five Dilemmas in the Institutionalization of Religion", Journal for the Scientific Study of Religion , Vol. 1, No. 1, pp. 30-410

Ritzer, G. (2004). Handbook of Social Problems: A Comparative International Perspective, Sage Publications.

Roderic Beaujot & Zenaida Ravanera (2008). "Family Change and Implications for Family Solidarity and Social Cohesion", *Canadian Studies in Population*, Vol. 35.1, pp. 73-101.

Thomas, V. & Olson, D.H. (1993). "Problem families and the Circumplex Model: Observational assessment using the Clinical Rating Scale", *Journal of Marital & Family Therapy*, 19, 159-175.

Wilson Margarel R. & FilsingerErike. (1986). "Religiosity and marital dhustment: Multidimensional interrelationships", *Journal of marriage and the family*, vol. 48, No. 1. February: 147-151.

Walter, Tony and Davie G. (1988). "The religiosity of women in the modern wes", *British journal of sociology*, vol 49.